

# افسانه رستا

فرشاد فرشته حکمت

عضو هیأت علمی دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی

پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران



شماره مسلسل ۹۵۶۷

شماره انتشار ۳۹۵۲

### انتشارات دانشگاه تهران

|                     |   |
|---------------------|---|
| سرشناسه             | : فرشته حکمت، فرشاد، ۱۳۴۱-                    |
| عنوان و نام پدیدآور | : افسانه رستا/ تألیف فرشاد فرشته حکمت.        |
| مشخصات نشر          | : تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۷. |
| مشخصات ظاهری        | : ۴۵۶ ص؛ ۱۴/۵ × ۱۹/۵ س.م.                     |
| فروست               | : انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۳۹۵۲.  |
| شابک                | : 978-964-03-7183-1                           |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیپا  |
| موضوع               | : فیلمنامه های فارسی                          |
| شناسه افزوده        | : دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات               |
| رده بندی کنگره      | : ۱۳۹۸ ۷ الف/۲/۱۹۹۷ PN                        |
| رده بندی دیویی      | : ۷۹۱/۴۳۷۲                                    |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۵۲۰۴۹۷۲                                     |

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ ها، سایت ها، مجله ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می شود و تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.



عنوان: افسانه رستا  
نویسنده: دکتر فرشاد فرشته حکمت  
نوبت چاپ: اول  
تاریخ انتشار: ۱۳۹۸  
شمارگان: ۵۰۰ نسخه  
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران  
چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با نویسنده است»

بها: ۷۵۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرشاد - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: [press@ut.ac.ir](mailto:press@ut.ac.ir) - تارنما: <http://press.ut.ac.ir>

پخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲

برای رستا و رازهای درونش



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

|   |     |
|---|-----|
| پیشگفتار.....                               | خ   |
| توفان سیام.....                             | ۱   |
| راز رودخانه مرگ.....                        | ۱۷  |
| در سرزمین افسانه‌ها.....                    | ۳۷  |
| سکوت سبزآباد.....                           | ۶۷  |
| آزمون عشق.....                              | ۹۵  |
| گیسوئی که بر باد رفت.....                   | ۱۳۳ |
| رستا و ازدهای بالدار.....                   | ۱۵۳ |
| نبرد بزرگ، انتقام دیوها.....                | ۱۷۹ |
| آب چشمه جاودانگی.....                       | ۲۰۷ |
| راستین و بی‌بی‌ناز در سرزمین افسانه‌ها..... | ۲۳۷ |
| جزیره جادو.....                             | ۲۶۱ |
| بشنو از نی.....                             | ۲۸۷ |
| بازگشت ازدها: تولد دوباره.....              | ۳۰۵ |
| بی‌دل‌ها.....                               | ۳۳۱ |
| شورش بزرگ.....                              | ۳۵۳ |
| نبرد قهرمانان.....                          | ۳۷۹ |
| کشف شیشه عمر.....                           | ۳۹۹ |
| پیروزی عشق.....                             | ۴۱۹ |



## پیشگفتار

### از «سرزمین افسانه‌ها» تا «افسانه رستا»

سال ۱۳۷۵ بود که طرح داستانی فیلمنامه‌ای بلند را با هدف تولید نخستین فیلم انیمیشن سینمای ایران نوشتم و پس از آن، نگارش فیلمنامه را آغاز کردم و نوشتن آن یک سال به درازا کشید.

برای نگارش این فیلم‌نوشت، برآن بودم تا داستانی بنویسم که ردپای بسیاری از شخصیت‌های افسانه‌ها و اسطوره‌های ادبیات کهن و ادبیات شفاهی ایران در آن دیده شود و آمیزه‌ای از فضاهای موجود در داستان‌های اصیل ایرانی باشد. افزون بر این، هدف دیگر، طراحی و نگارش داستانی بدون خشونت، انتقام، کشتن و مرگ بود. فیلم‌نامه‌ای در بزرگداشت عشق و ستایش زندگی. داستانی در ستایش مهرورزی، زیبایی پندار، زیبایی گفتار، زیبایی کردار، پلایش روح، آسایش روان و زیستن در صلح و آرامش. این داستان نیز بر اساس الگوهای افسانه‌ها و اسطوره‌ها، مبارزه و کشمکش همیشگی میان خیر و شر، نیکی و بدی، پلشتی و پاکی، عشق و نفرت، تاریکی و روشنایی، اهریمن و اهورا، خدا و شیطان، زشتی و زیبایی و خوبی و بدی استوار شد اما پایانی متفاوت و دگرگون یافت.

روند این داستان بر اساس مطلق‌نگری و تقسیم جهان به دو نیروی نیکِ مطلق و بدِ مطلق شکل نگرفته است و بنیادِ اندیشه‌های آن بر پرهیز از قضاوت، پرهیز از نفرت‌ورزی، پرهیز از دشمنی و گرایش به عشق، شادی، بخشش، نیک‌رفتاری و نیک‌پنداری است. بر پایه‌ی این گرایش‌ها، بنیان اصلی این داستان، از نظر تم و اندیشه بر یک مصرع از شعر مولانا جلال‌الدین رومی استوار شده است: «از محبت، دیو حوری می‌شود.»

در این بستر گسترده و بارور، شخصیت‌ها و رویدادهای داستان این فیلمنامه زاده شده‌اند. کارکردی بینامتنی، مبتنی بر الهام از قصه‌ها و افسانه‌های پربار فرهنگ و ادبیات ایران زمین.

«سرزمین افسانه‌ها» نام نخستین این فیلم‌نگاشت در زمان نگارش آن بود و شخصیت اصلی آن، دختری دلیر به نام «سارا» که به همراهی برادر دلاور و مادر بزرگ دانایش، توفان رویدادهای تو در توی این داستان را رقم می‌زدند و پیش می‌بردند. سارا شخصیتی بود که مانند دیگر شخصیت‌های این داستان، در خیال من و در رویاهای کودکی و بزرگسالی‌ام شکل گرفته بود. شخصیتی که هدفی روشن و تعریف شده داشت: با مهرورزی دشمنان دوست می‌شوند و دوستان دوست‌تر. تنها با مهرورزی ناب، بی‌دریغ، بی‌دلیل، بی‌معامله و عاشقانه. طرح این آرمان روشن در داستان این فیلم‌نوشت، یافتن شناختی تازه نسبت به یکی از راه‌های رستگاری بشر در جهان امروز است؛ جهانی جنگ‌زده، پرتنش، پر آشوب و سرشار از نفرت و کینه.

بیست سال از نگارش این فیلمنامه گذشت و در طی این سال‌ها، این داستان نه به فیلم تبدیل شد و نه به صورت کتاب به چاپ رسید.

شانزده سال پس از نگارش این داستان، دختری در جهان واقع متولد شد که «رستا» نام گرفت. کودکی که در زیبایی رخسار، زیبایی رفتار، زیبایی گفتار و زیبایی پندار. تجسم همه آرزوها و رویاهای دوردست من بود. یک مسافر باشکوه کیهانی که به گفته خودش: «از میان کهکشان راه شیری به زمین فرود آمده بود!»

سه ساله بود که ناگهان در میان یک بازی کودکانه، زبان به راز گشود. در آرامشی عجیب در برابر من ایستاد. سه قلب مخملی سرخ را- که بخشی از اسباب بازی‌هایش بود- در یک بشقاب سبز در برابر من گذاشت و با آرامشی کامل و تمرکزی ژرف، سخن گفت<sup>۱</sup>:

---

۱- این سخنان و گفتگوهای انجام شده که در اینجا نوشته شده است، نقل به مضمون نیست؛ بلکه اصل جملات و عین واژه‌های بیان شده است.



«اگر می‌خواهید دل‌هایتان پاک شود باید زخم‌های مغزتان را پاک کنید.»  
اندکی جا خوردم. سپس شگفت‌زده از او پرسیدم: رستا؟ اگر زخم‌های  
مغزتان را پاک کنیم چه می‌شود؟  
رستا گفت: اگر دل‌هایتان پاک شود، مانند یک گُل پرنده در آسمان پرواز  
می‌کنید!

پس از گفتن این جمله و در همان حالت رو به کتابخانه کرد. چند گام به  
سوی کتاب‌ها برداشت. لحظاتی به کتاب‌ها خیره شد. سپس سکوتش را شکست  
و با همان لحن پرآرامش ادامه داد: شما از چیزهای بدی می‌نویسید. شما بیشتر  
از خزندگان می‌نویسید!

پرسیدم: باید از چه چیزی بنویسیم؟

رستا پاسخ داد: پرنده! شما باید از پرنده و پرواز بنویسید!

پس از این رویداد دریافتم که شخصیت رویایی من، شخصیتی که نیم قرن  
در ژرفای تخیلات من شکل گرفته بود، اکنون باشکوه‌تر و کامل‌تر از آرمان‌ها و  
آرزوهای من، در عالم واقعیت زاده شده است. افسانه‌ای که به حقیقت پیوسته  
است. یک شمس‌راهنما در برابر من ایستاده است و باران حضورهای روشن و  
سخنان نابش را بر من می‌بارد. مانند آن مسافر آسمانی؛ «شازده کوچولو»<sup>۱</sup>  
آمده است تا مرا و ما را اهلی کند. یک پیک ویژه کیهانی با پیام‌هایی زیباتر و  
پرشورتر از پیام‌های «سارا»- شخصیت آرمانی و خیالی من- در داستان  
فیلمنامه «سرزمین افسانه‌ها». شگفت‌تر اینکه؛ سارای خیالی داستان سرزمین  
افسانه‌ها، ۱۲ سال داشت و رستای حقیقی زندگی من، اکنون پنج سال دارد. با  
بازخوانی دوباره این فیلمنامه دریافتم که سارای افسانه‌ای و خیالی سرزمین  
افسانه‌ها از نظر ویژگی‌های شخصیتی، رفتارها، گفتارها، انتخاب‌ها و اندیشه‌هایش  
به رستای حقیقی که در برابر من ایستاده بسیار نزدیک است. شخصیتی که راه  
رستگاری را از خرد پاک تا روان پاک به روشنی در برابر من قرار داده است.

این فهم شورانگیز، پس از گذشت بیست سال انگیزه‌ای تازه برای چاپ این کتاب شد. از این رو، در بازنویسی دوباره، نام «سارا» در این داستان به «رستا» تغییر یافت و نام «سرزمین افسانه‌ها» نیز به «افسانه رستا».

اکنون این نوشته به صورت کتاب در برابر شماست. نوشتاری که با اندکی بازنویسی و با هدف یافتن خوانندگان بیشتر در مرز میان رمان و فیلمنامه قرار گرفته است. این فیلم‌نگاشت، سال‌ها پیش از ساخته شدن فیلم‌های هالیوودی «ارباب حلقه‌ها» و «هری پاتر» به نگارش درآمده است اما تاکنون، بخت تبدیل شدن به یک فیلم سینمایی را در عرصه سینمای ایران نیافته است.

چشم‌انداز این نوشتار، بهره‌گیری از داستان‌هایی بوده است که بسیاری از ما در دوران کودکیمان آن‌ها را با آب‌وتاب فراوان از مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌هایمان شنیده‌ایم و داستان‌های دیگری که در متون منظوم و منثور ادبیات کهن ایران خوانده‌ایم و از همین رو است که «افسانه رستا» را می‌توان داستان داستان‌ها نامید.

بسیار سپاسگزارم از همراه و یاور همیشه مهربانم ناهید فرشته حکمت که مشاوره‌ها، نظرات موثر و همکاری بی‌دریغش، تمام آثار ادبی و هنری‌ام از جمله نگارش و چاپ این کتاب را به سرانجام رساند. همچنین از تلاش‌های محمدجواد آقایانی برای طراحی مناسب جلد کتاب بسیار سپاسگزارم.

فرشاد فرشته حکمت. تهران. خردادماه ۱۳۹۷

### شخصیت‌ها:

رستا (دختر ۱۲ ساله)  
راستین (پسر ۱۲ ساله)  
بی‌بی ناز خاتون (۷۵ ساله با چهره‌ای شاد و جذاب)  
گلناز (مادر راستین و رستا - ۳۰ ساله - زنی جوان و زیبا)  
پهلوان سهراب (پدر راستین و رستا - ۳۵ ساله - مرد قوی هیکل و مهربان)  
سلطان‌دیو  
ماه‌پیشونی  
اژدهای بالدار  
سیمرغ  
هدهد  
آرش شیواتیر  
رستم دستان  
فرهاد  
گیلگمش  
سنگِ صبور  
غولچه  
ننه سلیمان (۹۰ ساله)  
کدخدا  
مرشد حیدر  
ننه مراد  
مش باقر  
مرشد جلیل  
سرلشکر سُمیا  
فرمانده سیاگِل  
فرمانده سیادل

س / افسانه رستا

فرمانده غول بابا

فرمانده سپیددیو

فرمانده گرزنگولو

می می لولو

چولک

لالی لولو

تعدادی دختر بچه (سنین مختلف)

تعدادی پسر بچه (سنین مختلف)

ماده دیو

موش سپید

بزغاله

چند غول نگهبان

سپاه غول ها

سپاه دیوها

چند غول شاخدار

چند غول پرنده

چند اسکلت پرستار

دو کوسه شاخدار

عروس دریایی

داماد دریایی

افسانه رستا  
توفان سیاه